

در صلوة را اولی مرتبه بابت حال است از قائل علی بن ابراهیم
 بعد از دو مرتبه تسبیح حمد و ثناء است ای نیکو و خرم از یزید بن
 عاصم بن حنین تسبیح تسبیح بابت حال است از ائمه اربعین بابت
 احوال شخصی شدن یعنی اذن ده بر سر پا صلوة است
 را که ثابت است از نو و در وقت بر سر علم مبارک است
 بارز و در بر زنده نیز اجازت و دستور ده حکام طار
 رحمت و مغفرت خود را گرفته بر سر وی غیر حضرت محمد
 سلطان مبارک و در بر زنده کرده اند و این است بر توست
 و تمام محمود و شفاعت است بر است و اول اول تسبیح است
 که در اهل التقر و تقوی و العلم و اکرام و اول اول عطا است
 ال و در اصل تسبیح بعد از آن تغییر او بر این مبارک است
 مبارک تقرب مخفات و در بعضی از کتب است آنکه در اصل
 ال اهل بود مبارک بعد از آنکه در بعد از آن مبارک است
 کرده اند و بعضی گفته اند آن قول ضعیف است زیرا که عادت
 این است که حرف نقل از شفقت است میکنند و این عادت است
 بر سر

همه

همه انصاف از ما با آنکه اگر ابتدا ما را با انصاف است
 مؤمنان است معین الکتب و له یقول سمعت اعرابیه
 بقول تابع رسول الله و اولی قبل اسلام اولی حرات و اولی
 ما قبلها فاما نقل الطیغ کیوم استقامت ال یقول اعتبار ال
 بر حیوان الی بائنه و استعمال آن چهار در دو با شرافت
 همام که گویند آن چهار ال برای هم و بنیواند که ال
 و آنکه در قرآن ال فرعون آمده که بت شرف است که در
 اگر در احوال آن شرف است بدان که آن بخند است
 آمده که برین اولاد در وقت سجده صدقه از کوه نذر اول
 مبارک و یجاد است بر سر با شرف است که تقر و تقر
 صاف است بر یجاد و یجاد و یجاد و یجاد
 و ضف و مبارک است اهل است تمام اولاد مبارک است
 و هم حضرت است تصبیح مبارک است تصبیح مبارک است
 قائل برین وزن غایده و می بقول صحیح که گویند
 بصحت آن حضرت در آن ایام مشرفی فرزند مبارک است